

نقش امام سجاد(ع) در جاودانگی قیام عاشورا

امام سجاد(ع) در دوران امامت خود و در حالی که خفقان سیاسی از سوی بنی‌امیه در جامعه ایجاد شده بود، با دو ابزار مهم اشک و دعا، ضمن زنده نگه داشتن یاد کربلا، اسلام راستین و پیام اهل بیت(ع) را به مردم می‌رساندند.



امام سجاد(ع) در دوران امامت خود و در حالی که خفقان سیاسی از سوی بنی‌امیه در جامعه ایجاد شده بود، با دو ابزار مهم اشک و دعا، ضمن زنده نگه داشتن یاد کربلا، اسلام راستین و پیام اهل بیت(ع) را به مردم می‌رساندند.

شهادت امام سجاد(ع) امروز ۱۲ محرم مصادف با سالروز شهادت امام زین العابدین(ع) است. امام علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، زاده پنجم شعبان سال ۲۸ هجری قمری، ملقب و مشهور به سجاد و زین العابدین چهارمین امام اغلب شیعیان(به جز کیسانیه و برخی از زیدیه) بعد از پدرش حسین(ع)، عمویش حسن مجتبی(ع) و پدر بزرگش علی بن ابی طالب(ع) است.

بر اساس منابع اسلامی و مورخان شیعی، ایشان در مدینه به دنیا آمد و در جوانی پدرش را در صحرای کربلا همراهی می‌کرد، اما به دلیل بیماری در نبرد کربلا شرکت نکرد و به همین دلیل از این کشتار بی‌رحمانه جان سالم به در بردند. پس از شهادت پدر و خویشانش به همراه اسرا به کوفه و سپس دمشق منتقل شدند. امام سجاد(ع) در شام و در حضور یزید، خلیفه اموی اجازه پیدا کرد خطابه ای ایراد کند که در ضمن آن به معرفی خود و خاندانش و ذکر مصائبی که در کربلا بر آن‌ها رفته بود، پرداخت. علی بن الحسین(ع) سپس اجازه پیدا کرد به مدینه بازگردد.

وی در مدینه انزوا اختیار کرده با عده محدودی از اصحابش ارتباط داشت. در ماجرای حرّه که در سال ۶۲ هجری قمری در مدینه رخ داد و طی آن سپاه یزید شورش مردم مدینه را سرکوب کردند، به امام سجاد(ع) آسیبی نرسید؛ چراکه در این شورش مشارکتی نداشت. قیام مختار ثقفی و گرایش بیشتر شیعیان عراق به کیسانیه باعث انشقاق در میان شیعیان شد، از دیگر چالش‌های دوران امامت امام سجاد(ع) بود.

بنابر روایات شیعه، امام زین العابدین(ع) با سم ولید بن عبدالملک به شهادت رسید و در قبرستان بقیع در کنار عمویش امام حسن مجتبی(ع) به خاک سپرده شد. امام محمد باقر(ع)، امام پنجم شیعیان امامی و زید بن علی(ع)، امام پنجم شیعیان زیدی، از فرزندان امام سجاد(ع) به شمار می‌آیند.

حوادث کربلا

برخی از مورخان معتقدند که امام زین العابدین(ع) در واقعه جانگداز و خونین کربلا ۲۴ ساله بوده است و بعضی دیگر نوشته‌اند که از سن مبارکش ۲۲ سال می‌گذشت. محمد بن سعد در کتابش می‌نویسد: «علی بن الحسین(ع) در واقعه کربلا همراه پدرش بود و در آن هنگام از عمر شریفش ۲۳ سال می‌گذشت. فرزند ایشان، امام محمد باقر(ع) که با امام سجاد(ع) از کربلا تا شهادت همراه پدر بود، سه یا چهار ساله بود. امام زین‌العابدین(ع) در آن هنگام به سبب بیماری در جهاد شرکت نکرد و خداوند او را برای هدایت مسلمانان نگه داشت و نسل رسول‌الله(ص) از فاطمه(س) در ذریه امام حسین(ع) به امام سجاد(ع) و اولاد او منحصر شد.»

شیخ مفید در این باره می‌گوید: «همین که امام حسین(ع) شربت شهادت نوشید، شمر به قصد کشتن امام سجاد(ع) نیز حمله برد. امام زین العابدین(ع) در بستر بیماری به سر می‌برد و حمید بن مسلم به دفاع پرداخت و حمله شمر را مانع شد. عمر بن سعد آن حضرت را در حالی که از بیماری رنج می‌برد، با اهل بیت(ع) به کوفه انتقال داد.»

امام سجاد(ع) در قیام خونین کربلا مدت کوتاهی بنا به مشیت الهی بیمار بود و پس از بهبودی، مدت ۲۵ سال امامت و زعامت جامعه مسلمین را تداوم بخشید. اینکه برخی این امام همام را دائم‌المریض معرفی کرده‌اند تا آنجا که در اذهان عوام این قضیه مانده است، در حقیقت نسبت به امام چهارم(ع) و فداکاری‌های ایشان بی‌توجهی کرده‌اند.

امام سجاد(ع) در دوران زندگی، رنج‌ها و ناراحتی‌های بسیار دید، در ماجرای کربلا، سخت‌ترین شکنجه‌ها و ستم‌ها به او وارد آمد و بعد که به مدینه بازگشت، در طول ۳۵ سال عمر خود، همواره از مصائب کربلا یاد می‌کرد و می‌گریست و در حالی که اشک می‌ریخت، می‌فرمود: «قتل ابن رسول‌الله جائعا، قتل ابن رسول‌الله عطشانا».

روزی یکی از غلامانش مخفیانه به او نگرست، دید ایشان به سجده افتاده و گریه می کند، عرض کرد: «آیا وقت پایان حزن نرسیده است؟»، امام سجاد(ع) به او فرمود: «وای بر تو، مادرت به عزایت بنشیند، حضرت یعقوب(ع) در میان دوازده پسر، یکی از پسرانش حضرت یوسف(ع) بود و زمانی که از نظرش غایب شد، گریه می کرد و می گفت: «یا اسفی علی یوسف و ابیضت عیناه من الحزن و هو کظیم» و من در نزدیک خود، پدر و جماعتی از بستگانم را دیدم که سر بریدند، چگونه گریه نکنم؟

سیره عملی امام سجاد(ع)

شام، از آن روز که به تصرف مسلمانان درآمد، فرمانروایی چون خالد پسر ولید و معاویه پسر ابوسفیان را به خود دید. مردم این سرزمین نه سخن پیامبر(ص) را شنیده بودند و نه روش اصحاب او را می دانستند. تنی چند از صحابه رسول خدا نیز که بدان سرزمین رفتند و سکونت جستند، مردمانی پراکنده از یکدیگر بودند و در توده های مردم نفوذی نداشتند. در نتیجه مردم شام کردار معاویه پسر ابوسفیان و پیرامونیان او را سنت مسلمانی می پنداشتند. بنابراین شگفت نیست که در مقتل ها بخوانیم: «به هنگام درآمدن اسیران به دمشق، مردی در روی علی بن الحسین(ع) ایستاد و گفت: سپاس خدایی را که شما را کشت و نابود ساخت و مردمان را از شر تان آسوده کرد و امیرالمؤمنین را بر شما پیروز گردانید».

معاویه وقتی به قدرت رسید، از هیچ تلاشی برای بسط نفوذ خود فروگذار نکرد و شرایط را به گونه ای درآورد که سرانجام از مردم برای فرزند خود یزید نیز بیعت گرفت. او در مدت تسلط خود بر شام و غیر آن، لعن بر حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) را در خطبه ها رواج داد.

بر اثر نیرنگ های او بود که ماجرای حکمیت و متارکه جنگ و صلح امام حسن(ع) و ۱۰ سال سکوت و عدم تحرک نظامی امام حسین(ع) پیش آمد. معاویه، خلافت رسول الله(ص) را که باید در امام معصوم متبلور می شد به ملک و حکومت موروثی تبدیل کرد و از مردم با ابزار «زر» و «زور» و «تزویر» برای فرزند شریاخوار و متجاهر به فسق خود، یزید، به عنوان خلافت و حکومت بر مردم، بیعت گرفت.

سه مفهوم «اطاعت از ائمه»، «لزوم جماعت» و «حرمت نقض بیعت» از رایج ترین اصطلاحات سیاسی بود که خلفا به کار می بردند. شاید بتوان گفت سه مفهوم مزبور، پایه خلافت و نیز دوام آن را تضمین می کرد. این سه واژه، اصول درستی بود که به هر روی، در شمار مفاهیم دینی - سیاسی، اسلامی بود. چنانکه از نظر عقل نیز، برای دوام جامعه و حفظ اجتماع رعایت آن ها لازم می بود.

اما از این مفاهیم سوء استفاده شد و در واقع برای تحکیم حکومت نامشروع بهره برداری شد. «اطاعت از امام باید کرد ولی آیا از امام عادل باید اطاعت کرد یا اطاعت از سلطان جائر هم واجب است؟ حفظ جماعت یعنی عدم اغتشاش و شورش و حفظ وحدت و عدم ایجاد تزلزل در جامعه، اما آیا در حکومت استبدادی و جائران نیز این اصل، باید رعایت شود؟! حرمت نقض بیعت به عنوان رعایت عهد، در اسلام تمجید شده است، اما اگر با حاکمی جائر و فاسق و متجاهر به فسق مثل یزید بیعت نشد یا بیعت با او شکسته شد باز این حرمت هست؟

امام سجاد(ع) و زنده نگاه داشتن نام و یاد کربلا

یکی دیگر از محورهای که امام زین العابدین(ع) برای زنده نگه داشتن پیام کربلا به کار برد، گریه بر شهدای کربلا و پدرش امام حسین(ع) بود. «فیل: ائّه بکی حتّی خیف علی عینیّه و کان اذا اُخّداً اناءً بکی حتی یملاها دمعاً. فقیل له فی ذلک. فقال: و کیف لا أبکی و قد منع ابی من الماء الذی کان مطلقاً للسیباع و الوحوش». «گفته شده که آن حضرت آنقدر گریه کردند که بر چشمان وی ترسیدند. وقتی طرف آبی را می گرفت تا از آن بیاشامد، آنقدر گریه می کرد که ظرف از اشکش پُر می شد. وقتی علت این کار را می پرسیدند، می فرمود: چگونه گریه نکنم در حالی که آبی که برای حیوانات وحشی و درندگان آزاد بود و می توانستند از آن بیاشامند، پدرم را از آن آب منع کردند».

در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است که: «بسیار گریه کنندگان پنج نفرند: حضرت آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه دختر رسول الله(ص) و امام زین العابدین». سپس، حضرت هر یک را توضیح می دهد تا می رسد به امام سجاد(ع) و می فرماید: «اما علی بن الحسین(ع) ۲۰ سال یا چهل سال بر حسین(ع) گریه کرد (تردید از راوی است) هرگاه پیش او غذایی می گذاشتند گریه می کرد تا اینکه یکی از غلامان ایشان به حضرت گفت: ای فرزند رسول خدا می ترسم از بین بروی! حضرت در جواب آیه ای را خواند که حضرت یعقوب(ع) برای فرزندانش خوانده بود. حضرت بعد از خواندن این آیه می فرماید من هیچ وقت کشته شدن فرزندان فاطمه(س) را به خاطر نمی آورم، مگر اینکه بغض در گلویم می شکنند».

وقتی کسی به حضرت می گوید: آیا وقت آن نرسیده که حزن و اندوهت به پایان رسد؟ حضرت می فرماید: «وای بر تو! حضرت یعقوب(ع)، دوازده پسر داشت که یکی از آن ها ناپدید شد، او از بس گریه کرد چشمانش سفید شد و از بس غم و غصه خورد، پشت او خم گشت در حالیکه پسر او زنده بود، اما من دیدم که پدرم و برادر و عمویم و هفده تن از اهل بیتم در اطراف من کشته شدند، چگونه حزن و اندوه من به پایان رسد؟»

آری! آن حضرت، همیشه در غم و اندوه آن ماجرای اندوهبار بود و مدام گریه می کرد. گریه حضرت علاوه بر اینکه می توانست ابراز احساساتی پاک در قبال شهدای اهل بیت(ع) و کریلا باشد، در عین حال، ایزاری بود برای زنده نگه داشتن حادثه کریلا؛ زیرا نفس گریه بر سیدالشهدا(ع) و شهدای کریلا، موضوعیت دارد و این علاوه بر آثار و برکات خود، شعار و پیام کریلا را به تمامی نسل های آینده می رساند.

امام(ع) و بهره گیری از دعا

یکی از کارهای مهم امام سجاد(ع) در آن شرایط خفقان و در آن روزگار خاموشی، نشر معارف و حقایق ناب اسلامی و عقاید شیعی به زبان دعا بود. دعا یعنی خواندن؛ دعا یعنی درخواست از خدا؛ دعا ایجاد ارتباط بین مخلوق و خالق است؛ آنجا که آدمی احساس تنهایی می کند و کسی را ندارد و نیاز به تکیه گاهی دارد که در مشکلات و مصائب به طمأنینه و آرامش دست یابد، دعا ایزاری برای نیل به این هدف است.

آری! حضرت(ع) در آن شرایط از طریق دعا علاوه بر آنکه مقام آن حضرت، ایجاب می کرد چنین سیره ای را در پیش گیرد. ایشان به مردم نحوه دعا، مناجات و عبادت حق تعالی را تعلیم فرمود و در عین حال در این مدرسه عشق، الفبای اسلام و شیعه را به تشنگان حقیقت و شیفتگان اهل بیت(ع) آموخت.

دعاهای امام سجاد(ع) یادگاری است ماندگار از آن حضرت که آکنده از معارفی است که اوج تقرب انسان به خدا را نشان می دهد و هر کس به قدر ظرفیت خود از آن ها بهره می گیرد. آن حضرت در این دعاها به مسائل اساسی و ریشه ای پرداخته است. از جمله این مسائل تأکید بر صلوات بر محمد و آل محمد(ص) است. در آن شرایط که کسی نمی توانست از علی(ع) و اهل بیت رسول الله(ص) دم بزند، حضرت در دعاها صلوات بر آل محمد را بعد از صلوات بر محمد، مطرح می کرد.

این در واقع جنگ تمام عیار با نظام حاکم بر مردم و مسلمانان در آن شرایط بود. بنی امیه بسیار کوشیده بودند که نام اهل بیت(ع) را در گذر زمان به فراموشی بسپارند و عملاً با علویان در ستیز بودند. آن ها بسیاری از علویان را به شهادت رساندند. در این شرایط، حضرت در لابه لای دعاها نام اهل بیت(ع) را می گنجانید، چنان که در دعای روز عرفه می فرماید: «رَبِّ صَلِّ عَلَيهِ وَ عَلَيهِمْ صَلَوةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا وَ لَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا وَ لَا نَهَايَةَ لِآخِرِهَا؛ ای پروردگارا! بر آن حضرت و بر آل او درود فرست، درودی که اولش را حدی و مدتی و آخرش را پایانی نباشد».